



پوشاک سنتی زنان عشایر شاهسون دشت مغان

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۰)

علی باصری^۱

عمار احمدی^۲

سید سعید آقائی^۳

چکیده

پوشاک بعد از زبان می‌تواند شاخصی مهم در شناخت اقوام ایرانی باشد. اقوام مختلف ایران بعد از زبان با نوع پوشش و لباس خاص خود هویت اجتماعی شان خودشان را تعریف می‌کنند. مسئله و میدان این پژوهش پوشاک اقوام عشایر شاهسون دشت مغان و به طور مشخص زنان این قوم است. عشایر شاهسون که ریشه آنها در دوره ایران باستان به اقوام دامدار و کوچ‌نشین ساکاهای ساکن آذربایجان می‌رسد، به قول ریچارد تاپر نام شاهسون را در دوره صفویه به خود گرفته‌اند و تا به امروز اصالت قومی و فرهنگی‌شان خود را حفظ کرده‌اند. مبانی نظری پژوهش بر اشاعه‌گرایی، تکامل‌گرایی و کارکردگرایی پوشاک سنتی زنان عشایر شاهسون دشت مغان ایران استوار است. روش مطالعه در این مقاله کیفی است و اطلاعات و داده‌های مورد نیاز به دو روش کتابخانه‌ای و مشاهده مشارکتی گردآوری شده است. بر اساس این داده‌ها تلاش شده است تا جایگاه سه عامل مهم نژاد، اقلیم و فرهنگ در ساختار و کارکرد انواع این پوشاک مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد و تأثیر آن بر نوع طراحی و تزئین پوشاک زنان عشایر شاهسون مغان از جمله تن‌پوش‌ها، سرپوش‌ها و پاپوش‌ها، روشن و با تصاویر متعدد، مستندنگاری شود. نتیجه جستار حاضر نشان می‌دهد که این سه عامل مهم و اساسی در شکل‌گیری نوع و تزئین پوشاک زنان عشایر شاهسون از اهمیت یکسانی برخوردارند.

کلیدواژه‌ها: عشایر، شاهسون، دشت مغان، اردبیل، پوشاک زنان.

۱. استادیار. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (نویسنده مسئول). رایانامه:

baseridon@yahoo.com

۲. نویسنده و پژوهشگر. دانشجوی دکتری مردم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی. رایانامه:

ahmadiammar60@gmail.com

۳. استادیار. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی. رایانامه: saeidaqhaei1396@gmail.com

۱. مقدمه

جغرافیای فرهنگی ایران قدیم و ایران معاصر، سرشار از اقوام گوناگونی است که نژاد، زبان، آیین، باور و پوشاکی متفاوت از یکدیگر دارند. این تفاوت قومی در سرزمین ایران، ویژگی مهمی است که می‌تواند توجه فرهنگ‌شناسان، جامعه‌شناسان، مردم‌شناسان و انسان‌شناسان دنیا را به این جغرافیا جلب کند. اینجاست که وظیفه عالمان علوم اجتماعی در ایران بیشتر از علوم دیگر مشخص می‌شود.

در آغاز، زمانی که اقتصاد و معیشت بر پایه گردآوری خوراک و صید و شکار قرار داشت، انسان‌ها بر روی زمین در حال حرکت و کوچ بودند. اقوام شکارگر و گردآورندگان آذوقه، اغلب جایگاه ثابتی نداشتند و همواره در پی صید و شکار و گردآوری ریشه گیاهان خوردنی و میوه‌های جنگلی، از سرزمینی به سرزمین دیگر کوچ می‌کردند. اوضاع و احوال طبیعی در اغلب مناطق چنان بود که تشکیل هر گونه اقامتگاه بزرگ و دایمی را غیر ممکن می‌ساخت. (نیک‌خلق، ۱۳۹۳: ۳۱)

منظور از جامعه عشایری در علم مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی، گروهی مردم هم‌خویشاوند است که با بهره‌گیری از دو شیوه معیشت پرورش دام در سطحی گسترده و کشاورزی در سطحی محدود زندگی می‌کنند. از این رو، هر جامعه‌ای را به صرف اینکه در طی سال از نقطه‌ای به نقطه دیگر به دنبال مواشی خود در حرکت باشد و یا در جایی ساکن بماند، نمی‌توان عشیره و جمع آن را عشایر نامید. چنان که به کولی‌های سرگردان نیز که زندگی آنها بی‌شبهت به زندگی عشایر کوچنده نیست، نمی‌توان عنوان عشیره یا عشایر داد. (طیبی، ۱۳۹۵: ۱۱۳ - ۱۱۱)

در قرن حاضر درباره منشأ پیدایش شاهسون‌ها سه روایت متفاوت وجود دارد. روایت رسمی مورد پذیرش عام، همانی است که سر جان مالکم نقل کرده است. به این قرار که شاه عباس اول به منظور مقابله با شورش رؤسای نافرمان قیزیل‌باش، از ترکیب قبایل گوناگون، قبیله‌ای تأسیس کرد و آن را شاه سئون (شاهسون) نامید (تاپر، ۱۳۸۴: ۳۱).

پوشاک سنتی زنان عشایر شاهسون دشت مغان ❖ ۱۷

از آغاز پیدایش دولت صفوی، آذربایجان کانون تجمع ایلات قیزیل‌باش از اقوام ترک بود که قبل از قرن چهارم و پنجم هجری در سراسر آذربایجان و شرق ترکیه ساکن بودند. شاه اسماعیل آنها را متحد کرد و نام قیزیل‌باش را برایشان انتخاب کرد. سپاه قیزیل‌باش در زمان شاه عباس تبدیل به شاه سئون^۱ شدند. (اثنی عشری، ۱۳۸۰: ۵۱) ایلات و عشایر شاهسون که بازماندگان «شاهی سئون» های دوره صفویه هستند، امروزه در منطقه وسیعی از نواحی تبریز و اردبیل تا جنوب و شرق قزوین و ساوه پراکنده‌اند و از طوایفی تشکیل شده‌اند که نام اغلب آنها به «لی یا لو» ختم می‌شود. (طیبی، ۱۳۹۵: ۳۳۵)

دشت مغان سرزمین وسیعی واقع در شمال شرقی آذربایجان و جنوب غربی دریای خزر است. وسعت این سرزمین در ادوار تاریخی گذشته، بسیار بیشتر از موقعیت فعلی آن بوده است. مردم ناحیه مغان از اقوام آسیایی نژاد^۲ ساحل دریای خزر و از مردم بومی این سرزمین هستند که در هزاره دوم قبل از میلاد با اقوامی چون آلبانیا، کادوسیان، کاسپیان و.. همسایه بودند. در هزاره اول قبل از میلاد، قبایل ماد، اسکیت، آلان‌ها و... از ساحل غربی دریای خزر وارد دشت مغان شدند و با قبایل بومی این منطقه اختلاط و آمیزش یافتند. (عزیززاده، ۱۳۸۵: ۳۵)

عشایر شاهسون در استان اردبیل و آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و سایر نقاط کشور زندگی می‌کنند. برخی از آنان طی سال‌های گذشته یکجانشین شده‌اند؛ زبانشان ترکی آذربایجانی است و اغلب شیعه‌مذهب هستند. علاوه بر شاهسون‌های دشت مغان دسته‌های زیادی از شاهسون‌ها در مناطق مختلف ایران به سر می‌برند. از مهم‌ترین آنها باید از دسته‌هایی که در اطراف هشتروند، میانه، بیجار، قزوین، ساوه، ورامین، همدان و قم به سر می‌برند، نام برد. گروه‌های دیگر این ایل در اطراف زنجان زندگی می‌کنند. همچنین گروهی از ایل شاهسون در منطقه نیریز فارس در ساحل جنوبی دریاچه بختگان سکونت دارند. گروهی از شاهسون‌ها نیز در شهرستان شاهین‌دژ، ییلاق را در کوهستان‌ها به سر می‌برند.

۱. شاهسون

۲. نژادی است که نه به سامی تعلق دارد و نه به اقوام هند و اروپایی.

۱۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

صفت پوشانندگی در پوشاک سنتی ایرانیان پیشینه‌ای دیرپا دارد. تاریخ لباس ایرانیان از زمان باستان تا پیش از تأثیرپذیری از مدرنیسم و الحاق به روند جهانی شدن، نشان می‌دهد که آنان همواره پوشیدگی را در طراحی انواع لباس مدنظر قرار می‌داده‌اند. ایجاد صفت پوشانندگی اندام انسانی در لباس‌های ایرانی از راه‌های گوناگون و با تمهیداتی انجام می‌شده است. به اختصار می‌توان گفت؛ الگوی بسیاری از لباس‌ها از طول و عرض موجب می‌شده لباس دوخته شود و به سطحی دو بعدی تمایل یابد و به این ترتیب از نمایش ویژگی‌های جسمانی بدن ممانعت کند. تمهید دیگر، تعداد قطعات لباس سنتی ایرانی بوده که البته یکی از ویژگی‌های مشترک فرهنگ پوشاک سنتی در میان برخی از ملل جهان دانسته می‌شود.

با این روش لباس‌ها در قطعات متعددی طراحی و دوخته می‌شدند که اغلب در تعاملات جمعی، همراه با یکدیگر استفاده می‌شده‌اند و نهایت پوشانندگی بدن و ظرایف آن را به وجود می‌آورده‌اند. در این ویژگی، پوشاک زنان و مردان وجه مشترک دارد و تنها تمایز لباس زنان از مردان را شاید بتوان در عناصر و قطعات بیشتر پوشاک دانست که برای پوشاندن سر و روی زنان به کار می‌رود. قبل از اسلام این پوشش در میان زنان شاهسون رایج بوده استفاده از شال یا روسری و... متأثر از دین اسلام است زیرا این دین برای پوشش زنان حدودی را در قرآن کریم سوره نور آیه ۳۱ و سوره احزاب آیه ۵۹ تعریف کرده که از آن به حجاب یاد می‌شود و مشمول بر پنهان کردن زیبایی زنان و مستلزم پوشش بیشتری در مقایسه با مردان است. به این ترتیب، عامل زمینه‌ای دین، سبب شده است که لباس سنتی زنان ایران از قطعات بیشتری در مقایسه با لباس سنتی مردان ایرانی تشکیل شود. (یاسینی، ۱۳۹۶: ۱۸۹)

هدف از این مقاله بررسی مردم‌شناختی پوشاک سنتی زنان عشایر شاهسون دشت مغان براساس عوامل نژادی، اقلیمی و فرهنگی مردم آن دیار بوده است.

۲. پیشینه پژوهش

درباره پوشاک زنان عشایر شاهسون، کار پژوهشی و تألیف مستقلی تا به امروز انجام نگرفته است اما تعدادی از نویسندگان ایرانی و خارجی به صورت کلی، به مسائل مهم عشایر شاهسون پرداخته‌اند که برخی از آنها عبارت‌اند از: حمداله مستوفی (۱۳۹۶)، اسکندر منشی (۱۳۸۷)، ایرج افشار (۱۳۸۵)، احمد کسروی (۱۳۸۶)، بابا صفری (۱۳۷۰)، مقصود اثنی‌عشری (۱۳۸۰)، ولادیمیر مینورسکی (۱۳۷۶)، ریچارد تاپر (۱۳۸۴)، ریچارد هولمز (۱۳۹۰)، لیدی شیل (۱۳۶۸)، کارث ویت (۱۳۷۵)، ژان پیرودیگار (۱۳۷۵)، ژان یونیر (۱۳۸۹)، زین‌العابدین شیروانی (۱۳۳۹) و...

۳. چارچوب نظری و روش پژوهش

در میان موضوعات زندگی روزمره، لباس و پوشاک جایگاهی خاص نزد صاحب‌نظران علوم جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و مردم‌شناسی دارد؛ از میان آنان جامعه‌شناسانی چون گیلنر، بوردیو و فوکو یا انسان‌شناسانی چون مری داگلاس، دیدرو و... به این موضوع توجه نشان داده‌اند. از منظر انسان‌شناسی ارتباط متقابلی میان بدن و لباس وجود دارد. دیدرو با اشاره به ورود مد به عرصه پوشاک و تحمیل برخی از قواعد خاص در راحی لباس بر بدن، در مقایسه با لباس‌های پیشین که هماهنگ با بدن بوده‌اند، می‌نویسد: «آن لباس برای من درست شده بود و من برای آن؛ کاملاً اندازه بود و خمیدگی‌های دست و پاها را گرفته بود، بدون اینکه برای من اشکالی ایجاد کند. لباس جدید سفت و آزاردهنده است و مرا به یک مانکن تبدیل می‌کند... من کاملاً ارباب لباس قدیمی بودم، اما اکنون برده لباس جدید شده‌ام». (دیدرو، ۱۳۹۹: ۱۶۳)

اهمیت پوشاک در جوامع گوناگون سبب شده است که برخی از پژوهشگران با مطالعه تاریخچه پوشاک از بعد اجتماعی، چند رویکرد اساسی را در بررسی پوشاک مورد توجه قرار دهند. این رویکردهای نظری عبارت‌اند از:

۲۰. فصلنامه فرهنگ مردم ایران

۱. نظریه اشاعه‌گرایی که بر اساس آن، تن‌پوش‌های فعلی بازمانده برخی از انواع تن‌پوش‌های اولیه هستند و در دوره‌های مختلف به مناطق مختلف جهان اشاعه پیدا کرده‌اند.
 ۲. نظریه تکامل‌گرایی که بر اساس آن، تکامل لباس‌ها در طول دوره‌های تاریخی و تأثیرات فرهنگ بیرونی بر همانندسازی تن‌پوش‌ها مورد مطالعه قرار می‌گیرد. (هیلمند اریکسون و سیورت نیلسون، ۱۳۸۷: ۲۸)
 ۳. نظریه کارکردگرایی که نسبت به لباس، رویکردی نمادین دارد و آن را به عنوان زبانی از علائم معرفی می‌کند که قابل رمزگشایی است. (بلوکباشی، ۱۳۸۲: ۲۸)
- پوشاک را می‌توان برحسب موضوع‌های گوناگون اجتماعی، دینی، اقتصادی، هنری و نظایر آن بررسی کرد. تقسیم‌بندی پوشاک از لحاظ ایللی، روستایی، شهری و حوزه‌های جغرافیایی، فرهنگی در دوره‌های گذشته و کنونی از تقسیم‌بندی‌های عمومی و رایج میان پژوهشگران است. (همان: ۲۸)
- نوعی تقسیم‌بندی بر مبنای استفاده از پوشاک برای قسمت‌های مختلف بدن انسان نیز متداول است؛ مانند سرپوش‌ها، تن‌پوش‌ها، پاپوش‌ها. (یاسینی، ۱۳۹۶: ۱۹۰)
- پوشاک بارزترین نمود عینی تشخیص اقوام گوناگون ایرانی از یکدیگر است. پوشاک از راه مجموعه‌ای از علائم مادی، نوعی نظام ارتباط فرهنگی در میان مردم برقرار می‌کند که دریافت معانی و مفاهیم آن در هر گروه و جامعه، مستلزم درک رفتارهای اجتماعی و فرهنگی مردم و باورهایی است که پوشاک ارزش‌های نمادین خود را از آنها اخذ کرده است؛ ارزش‌هایی که در حفظ هویت اجتماعی و فرهنگی مردم در طول زمان، نقش قابل ملاحظه‌ای ایفا می‌کنند. (هیلمند اریکسون و سیورت نیلسون، ۱۳۸۷: ۱۷)
- در بررسی هویت جمعی، آداب و رسوم، عقاید، مفاخر، میراث فرهنگی و صنایع دستی مورد توجه قرار می‌گیرد و در این میان پوشاک از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. (موسوی، ۱۳۹۳: ۱۸۱)

پوشاک سنتی زنان عشایر شاهسون دشت مغان ❖ ۲۱

پژوهش حاضر بر مبنای روش کیفی صورت گرفته است. در این روش با دو نوع نظریه مواجه هستیم: اول، نظریه مبنایی که در آن مطالعه هر پدیده از طریق استقرا (حرکت از جز به کل) و با گردآوری منظم اطلاعات و تجزیه و تحلیل داده‌ها انجام می‌شود و دوم، نظریه مردم‌نگاری یا قوم‌نگاری که در آن، موقعیت فرهنگی و فرهنگ یک قوم به صورت عمیق توصیف و تحلیل می‌شود. رویکرد نگارندگان این مقاله، بیشتر مردم‌نگارانه است تا مبنایی. به این ترتیب، مطالعه پدیده لباس و توصیف و تحلیل فرهنگ آن، پایه و اساس پژوهش حاضر قرار گرفته است.

داده‌ها و اطلاعات این مقاله که از طریق منابع کتابخانه‌ای و مشاهده مشارکتی به دست آمده، شامل مشاهده مستقیم، خرید برخی نمونه‌ها در میدان پژوهش، مصاحبه و گفتگو با زنان عشایر شاهسون و نیز تولیدکنندگان این پوشاک بوده است. ضمن اینکه تفاوت جنسیت نگارندگان با جامعه مورد مطالعه که از میان زنان شاهسون دشت مغان انتخاب شده بودند و نیز سالخورده‌گی و کهولت سن مصاحبه‌شوندگان باعث شده بود روند مصاحبه و مشاهده در طول پژوهش کندتر پیش برود.

جامعه مورد مطالعه در مقاله حاضر، زنان عشایر شاهسون دشت مغان ساکن در شهرستان‌های مشکین‌شهر، اصلاندوز، بیله‌سوار، پارس‌آباد، جعفرآباد و گرمی مغان هستند که یکی از بزرگ‌ترین جوامع عشایری ایران محسوب می‌شود.

۴. بحث و بررسی

اگر چه پوشیدن لباس به منظور جلوگیری از سرما یا تابش خورشید و همچنین ستر و پوشش بدن است، نباید فراموش کرد که در برخی از فرهنگ‌ها، پوشیدن لباس ساده کافی نیست، بلکه انتخاب رنگ و نقوش روی پارچه و تزئین لباس با منجوق‌های رنگارنگ و حاشیه‌های زردوزی و گلابتون یا چین واپچین‌ها و دوختن سکه بر آنها، معرف شخصیت و منزلت اجتماعی و دارای مردمی است که از این طریق می‌خواهند خود را از دیگران مشخص و ممتاز سازند. (طیبی، ۱۳۹۵: ۱۹۰)

۲۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

لباس زنان عشایر شاهسون دشت مغان که نمادی از فرهنگ جاری و سنت‌ها و باورهای این ایل است، از ۹ تکه مجزا تشکیل می‌شود و زنان عشایر همواره تمامی این تکه‌ها را به تن می‌کنند. لباس سنتی این زنان را با نام کلی «تومان کۆینک»^۱ می‌شناسند. تهیه لباس برعهده خود زنان است به طوری که در گذشته، بیشترین زحمت تهیه و دوخت لباس را زنان عشایر می‌کشیدند. اغلب این لباس‌ها از پارچه‌های رنگی و شاد است و به شکلی از نقش و طرح طبیعت در آنها بهره گرفته می‌شود.

از ویژگی‌های منحصربه‌فرد لباس زنان شاهسون مغان، استفاده از پارچه‌هایی با رنگ‌های شاد و متنوع است. در طراحی و دوخت این لباس‌ها نیز همه معیارهای لازم برای پوشش کامل و سازگاری با تمام فصول سال در نظر گرفته می‌شود. تنوع و زیبایی رنگ پارچه‌های استفاده شده، به طور مستقیم از طبیعت و محیط اطراف الهام می‌گیرد. در گذشته برای تهیه نخ پوشاک، زنان شاهسون از «جهره» و «داراق»^۲ و برای دوخت آن، از سوزن‌هایی با سایزهای متفاوت استفاده می‌کردند، اما امروزه به دلیل پیشرفت صنعت این پوشاک اغلب به طریق ماشینی تولید می‌شود. (بسدی‌قیز، ۱۳۹۵)

پوشاک زنان عشایر شاهسون از پارچه‌های رنگارنگ دوخته می‌شود و تجملی بودن آن به وضعیت اجتماعی و اقتصادی خانواده بستگی دارد و ممکن است شامل تزئیناتی چون جواهرات مختلف، طلا و مهره‌های نقره باشد. سبک لباس زنان عشایر شاهسون، وضعیت تأهل و سن مالک را نشان می‌دهد. لباس دختران جوان به طرز قابل توجهی، متفاوت از لباس یک زن شوهردار است. زنان جوان پوشاک رنگارنگ‌تری می‌پوشند.

متناسب با نژاد، اقلیم و فرهنگ هر سرزمین، عناصر و ویژگی‌های لباس مردمان آن به منزله یکی از نمادهای ارتباط اجتماعی، مهم و قابل مطالعه است. پوشاک سنتی در کشور ایران و بویژه در منطقه عشایر شاهسون دشت مغان با ویژگی‌های خاص خود

1. tumân koynek

۲. هر دو از ابزار قدیمی تهیه نخ از پشم طبیعی می‌باشد.

پوشاک سنتی زنان عشایر شاهسون دشت مغان ❖ ۲۲

می‌تواند در سه گروه اصلی مطالعه و بررسی شود که عبارت‌اند از: سرپوش‌ها، تن‌پوش‌ها و پاپوش‌ها. پوشاکی که به‌طور مشخص برای پوشاندن سر و موی روی کل لباس‌ها استفاده می‌شود سرپوش، پوشاکی که برای پوشانیدن نیم‌تنه بالا به‌کار می‌رود، تن‌پوش و پوشاکی که نیم‌تنه پایین را می‌پوشاند، پاپوش نامیده می‌شود.

در منطقه دشت مغان استان اردبیل، سه عنصر اصلی پوشاک یعنی سرپوش‌ها، تن‌پوش‌ها و پاپوش‌ها، از گروه‌های کلی پوشاک سنتی زنان عشایر شاهسون قلمداد می‌شوند. متناسب با اقلیم جغرافیایی این منطقه که آب و هوای گرم و معتدل دشتی^۱ و سرد و معتدل کوهستانی^۲ است، پوشاک سنتی زنان عشایر شاهسون با ویژگی‌های طراحی شده خود از یک سو، برآورنده نیاز طبیعی بدن، متأثر از عوامل جوی و نیز ذوق زیباشناسانه دشت مغان و کوهستان ساوالان^۳ اردبیل است و از سوی دیگر، طراحی متناسب با کارکرد اجتماعی، فرهنگی و نژادی این مناطق را نشان می‌دهد. (گول‌سوره^۴، ۱۳۹۵)

در اقلیم عشایر شاهسون دشت مغان، دو منطقه یعنی دشت یا قیشلاق و دامنه کوهستان یا بیلاق وجود دارد که با وجود جغرافیای متفاوت، لباس زنان عشایر آنها تفاوت چندانی با یکدیگر ندارد البته به غیر از حجم و ضخامت این لباس‌ها. به‌طور کلی، پوشاک سنتی زنان عشایر شاهسون در این منطقه، متشکل از پراهینی بلند و چین‌دار به نام کۆینک، دامنی ضخیم و پرچین به نام تومان و شلواری پارچه‌ای، گشاد و راحتی به نام دیزلیک است. همچنین سرپوش‌های مختلفی به نام‌های لئچک، شال، شده و یاشماق و پاپوش‌هایی چرمی یا غیر چرمی، به نام‌های چاریق، قالوش، باشماق، چوست و آیاق قابی. (تصاویر ۱ و ۲)

۱. قیشلاق

۲. بیلاق

۳. سبالان

۴. به دلیل شباهت نام‌خانوادگی اغلب راویان، برای ارجاعات درون‌متنی مصاحبه‌ها از نام کوچک استفاده شده است.



**تصاویر ۱ و ۲. لباس کامل زنان عشایر شاهسون دشت مغان
(علیزاده، آرشیو شخصی، ۱۳۹۰)**

همچنان که اشاره شد، لباس زنان عشایر شاهسون، نشان و نمادی از نژاد، اقلیم جغرافیایی و فرهنگ این ایل بزرگ است. این لباس به صورت متداول از ۹ تکه مجزا تشکیل می‌شود که عبارت‌اند از:

۱. کۆینک (پیراهن) ۲. تومان (تنبان) ۳. یایلیق (روسری) ۴. آکین یایلیغی (چارقد کوچک) ۵. آراخچین (عرقچین) ۶. یل (بالاپوش) ۷. جیلینقا (جلیقه) ۸. دیزلیک (شلوار) ۹. باشماق (جوراب و کفش)

هر ۹ تکه در ۳ قسمت بدن انسان یعنی سرپوش‌ها، تن‌پوش‌ها و پاپوش‌ها کاربرد دارند.

۱-۴. سرپوش‌ها

– یایلیق^۱ / شال، روسری

روسری، شال یا لئچک بلند گلدار و زیبا، سر و گردن زنان شاهسون را به طور کامل می‌پوشاند. ضخامت روسری‌ها به اقلیم زندگی زنان شاهسون بستگی دارد. به عبارتی، سرپوش‌های یایلیق قشلاق، یعنی منطقه گرمی که عشایر زمستان را در آنجا به سر

می‌برند و یایلیق ییلاق، یعنی منطقه سردی که عشایر تابستان را در آنجا به سر می‌برند، از نظر جنس و ضخامت متفاوت‌اند.

یایلیق روسری بلندی است که زنان شاهسون به صورت دو لایه روی سر می‌اندازند. (تصویر ۳) یک طرف یایلیق روی سینه‌ها را می‌پوشاند و طرف دیگر آن به صورت یاشماق (روبند مانند) دهان و دماغ را کاملاً پنهان می‌کند. (گول‌آور، ۱۳۹۵)

فرهنگ گفتاری در میان مردمان و بویژه زنان شاهسون دشت مغان، مانند دیگر مناطق آذربایجان بسیار غنی است. بر این اساس، به نمونه‌ای از ادبیات فولکلوریک این مردم بویژه بایاتی‌هایی که متأثر از پوشاک زنان است، اشاره می‌شود:



تصویر ۳. یایلیق یک زن شاهسون
دشت مغان (آدشیرین‌پور، گالری
شخصی، ۱۳۹۰)

۲۶ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

âl yâyliqi âçilmâz	آل یایلیغی آچیلماز
sâçâqlâri sâçilmâz	شال سرخ رنگ باز نمی شود ساقاقلاری ساچیلماز
bo benim sonmoš goilom	گره هایش گشوده نمی شود بو منیم سؤنموش گو یلوم
yâr gormese âçilmâz	خواستہ های خاموش شده دلم یار گو رمسه آچیلماز تا یار را نبیند دلشاد نمی شود

- یاشماق / روبند

یاشماق یا روبند به آئین یایلیغی تعلق دارد و آن عملی است که با آن زنان شاهسون جلوی دهان و دماغ خودشان را از نگاه‌ها پنهان می‌کنند. (تصاویر ۴ و ۵) این کنش هم به سه عامل نژادی، اقلیمی و فرهنگی بستگی دارد. اکثر زنان ترک نژاد و ترک زبان از یاشماق به شکل‌های متفاوت استفاده می‌کنند. از نظر اقلیمی هم زنان شاهسون با این کنش، از دهان و دماغ خود در مقابل گرد و غبار و نیز سرمای محیط محافظت می‌کنند. اما از نظر فرهنگی، عامل دین را می‌توان عامل اساسی این روبند قلمداد کرد که حجاب کامل زنان را به خوبی نشان می‌دهد. (ازگول، ۱۳۹۵)



تصاویر ۴ و ۵. تفاوت یاشماق یک زن ترک شاهسون دشت مغان و یاشماق یک زن ترک ترکمن (ایمانی، آرشیو شخصی، ۱۳۹۰)

آلین یایلیقی^۱ / چارققد کوچک سر

این چارققد، کوچک تر و ظریف تر از یایلیق اصلی سر زنان شاهسون است و برای بستن پیشانی و نگه داشتن یایلیق سر کاربرد دارد. بستن این چارققد کوچک، رسم و آیین خاصی دارد که به آن (شده باغلاماق) می گویند. (عدیله، ۱۳۹۵)

شده^۲ / سربند

بستن چارققد کوچک روی یایلیق را زنان شاهسون، شده نامگذاری کرده اند. به



عبارتی عملی آیینی است که به طور معمول دختران شاهسون، پیش از نامزد کردن و عروس شدن، آن را اجرا نمی کنند. اغلب نوع بستن شده نسبت به سن زنان شاهسون متفاوت است. به عبارتی، گره شده و فرم قرار گرفتن آن در پیشانی، با توجه به سن زنان متفاوت است و این خود در تشخیص نوعروسان در میان ایل کاربرد دارد. (تصویر ۶) در بین برخی از طوایف شاهسون نیز بستن فرم شده، حاکی از نشان طایفه ای آنهاست. (خاتمه، ۱۳۹۵)

قیرمزی یایلیقی^۳ / شال قرمز

این شال سرخ رنگ مختص نوعروسانی است که جشن عروسی دارند. انداختن و برداشتن آن نیز آداب و رسوم

**تصویر ۶. طرز بستن شده در
میان دو زن شاهسون دشت مغان
(علیزاده آرشیو شخصی، ۱۳۹۰)**

1. âlin yâyliqi
2. šadde
3. qirmizi yâyliq

۲۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

خاصی دارد که در نوع خودش بی نظیر است. این شال را مادرشوهر در خانه عروس بر روی سر و صورت عروس او می اندازد تا در مراسم عروسی چشم‌های نامحرم رخسار آرایش شده عروس را نبینند (تصویر ۷). بعد از پایان مراسم و رسم گلین کؤچدو^۱ وقتی عروس به خانه بخت می رسد، داماد این شال قرمز زیبا را از روی سر و صورت او برمی دارد. (هجری، ۱۳۹۵)

فرهنگ ایرانی
شماره ۶۵ تابستان ۱۴۰۰



تصویر ۷. نمونه‌ای کامل از قیرمیزی یایلیق یک عروس شاهسون دشت مغان
(مراسم عروسی ییلاق ۱۳۹۴)

– آراخچین^۲ / عرقچین

کلاه ظریف و کوچکی شبیه عرقچین عربی است که به طور معمول، زنان با تجربه شاهسون از زیر یایلیق می بندند. زنانی که موی بلندی دارند، از آراخچین بیشتر استفاده می کنند. بند آراخچین برای محکم کردن آن و بستن موی سر به کار می رود. زنان موی سر خود را داخل آراخچین، جمع و با بند، آن را محکم می کنند تا در هنگام پیاده روی و کار و تلاش موهایشان افشان نشود. جنس آراخچین سنتی از پشم نازک است. امروزه

1. gallin kočdo

2. ârâxčîn

پوشاک سنتی زنان عشایر شاهسون دشت مغان ❖ ۲۹

زنان شاهسون بیشتر از عرقچین‌های آماده استفاده می‌کنند. دختران و زنان جوان شاهسون هم از آراخچین‌های قرمز رنگ مخملی زیاد استفاده می‌کنند. (آی‌تیکه، ۱۳۹۵) در ادامه به نمونه‌ای از بایاتی زنان شاهسون درباره آراخچین اشاره می‌شود:

ârâxçinin tepende	آراخچینین تپنده
uze gâlbâ sepende	عرقچین بر سرت اوزه گلاب سپنده
goilum morâdâ yeter	گلاب به رویت افشانده می‌شود گویلوم مرادا یئتر
âq uzunden opende	وقتی به مراد دلم می‌رسم آخ اوزوندن اوپنده که رخسار سفیدگونت را ببوسم

۲-۴. تن پوش‌ها

- کۆینک / پیراهن بلند

پیراهن بلندی که از گردن تا زیر زانوی پای زنان شاهسون را می‌پوشاند، به‌طور معمول از ۶ متر پارچه رنگی و گلدار زیبا با فرم چیندار دوخته می‌شود. دوخت این پیراهن زیبا و خاص در گذشته برعهده زنان با تجربه و هنرمند شاهسون بود اما امروزه خیاط‌های ماهر آن را می‌دوزند و آماده می‌کنند. (تصویر ۸)

پیراهن دختران، نوعروسان و زنان باتجربه شاهسون از نظر شکل و رنگ، فرم و تزئین نیز متفاوت هستند. رنگ‌های شاد چون قرمز و سبز و زرد برای پیراهن دختران و نوعروسان استفاده می‌شود. بویژه رنگ قرمز که از نظر نمادشناسی، ارتباط عمیقی با نژاد و فرهنگ دیرین ترکان این منطقه دارد و در مراسم و آیین‌های خاص در لباس‌های زنان شاهسون مغان به‌کار می‌رود. (اصلی، ۱۳۹۵)

۳۰ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

پیراهن های با رنگ تیره، برای استفاده زنان باتجربه و پا به سن گذاشته است اما تزئین پیراهن بیشتر در میان دختران و عروس های شاهسون رواج دارد که در قدیم با سوزن دوزی و امروزه با گلدوزی انجام می شود. در ادامه نمونه ای از اشعار فولکلوریک بایاتی زنان شاهسون درباره کؤینک آمده است:

koynegi yâşil oqlân	کؤینگی یاشیل اوغلان
	پیراهنت سبز ای پسر
ajab yârâşir oqlân	عجب یاراشیر اوغلان
	عجب برازنده توست ای پسر
gozum guzune duşjek	گؤزوم گؤزونه دوشجک
	وقتی چشمم به چشمش می افتد
dilim dolâşir oqlân	دیلیم دولاشیر اوغلان
	زبانم به لکنت می افتد



تصویر ۸. نمونه هایی از انواع کؤینک در میان (آدشیرین پور، گالری شخصی، ۱۳۹۰)

پوشاک سنتی زنان عشایر شاهسون دشت مغان ❖ ۳۱

– تومان / تنبان، دامن چیندار بلند

این تن پوش خاص، به طور معمول از ۹ تا ۱۳ متر پارچه گلدار رنگی زیبا به صورت چیندار دوخته می شود. دوخت این دامن مهارت خاصی را می طلبد و اغلب برعهده زنان باتجربه و هنرمند شاهسون است.

هر زن شاهسون به طور متوسط از ۱ تا ۷ تومان روی هم می پوشد و این به تجربه، فعالیت و منزلت اجتماعی زنان باتجربه و زنان منتسب به خاندان های بزرگ شاهسون بستگی دارد. به عبارتی، پوشیدن تومان های بیشتر روی یکدیگر، تشخیص افراد را نشان می دهد. (ایپکناز، ۱۳۹۵)

البته این مسئله به اقلیم هم ارتباط دارد و به عبارتی، تعداد تومان در سرما و گرما متفاوت است. دختران شاهسون به طور معمول، فقط از یک تومان استفاده می کنند و آن هم بیشتر جنبه زیبایی دارد. پوشیدن تومان بدن زنان را از کمر تا کف پا کاملاً می پوشاند به طوری که در زندگی روزمره، کمتر کسی می تواند جوراب و کفش زنان شاهسون را ببیند. لبه پایین تومان با نوارهای خوش رنگ متناسب با شخصیت و سن صاحبش

سوزن دوزی یا گلدوزی

می شود. (تصویر ۹) این کار دو دلیل مهم دارد، اول اینکه لبه پایینی تومان را که در تماس با زمین است، مقاوم تر می کند و دوم اینکه وزن لبه پایینی تومان را بیشتر می کند تا چین های آن به سمت پایین کشیده شوند. (حامیل، ۱۳۹۵)



تصویر ۹. انواع تومان در میان زنان و دختران عشایر شاهسون مغان (ایمانی، آرشیو شخصی، ۱۳۹۵)

– یل^۱ / بالاپوش زنانه

یل بالاپوشی است که از پارچه های پشمی، کتان و... دوخته می شود. زنان شاهسون آن را روی پیراهن بلند خود می پوشند و اغلب در اقلیم بیلاقی و هوای سرد مورد استفاده قرار می دهند (تصویر ۱۰). نسبت به ثروت خانواده ها، جنس و تزئین یل متفاوت است؛ در برخی از طوایف شاهسون، کاربرد این بالاپوش در لباس کار زنان بیشتر است. تزئین آن با انواع صنایع دستی بافتنی برعهده زنان شاهسون است و در هر طایفه با طایفه دیگر تفاوت دارد. (منظر، ۱۳۹۵)



تصویر ۱۰. نمونه ای سیاه رنگ از یل بر تن یک زن شاهسون دشت مغان
(علیزاده، گالری شخصی، ۱۳۹۰)

- جلیتقا^۱ / جلیقه

این تن پوش مانند جلیقه‌های دیگر، بدون آستین دوخته می‌شوند و پارچه و رنگ آنها بساع به سن و منزلت اجتماعی متفاوت است. مانند دیگر تن پوش‌ها، به‌طور معمول از رنگ‌های شادی چون قرمز برای دوختن جلیقه دختران و عروس‌ها استفاده می‌شود و رنگ‌های تیره را در جلیقه زنان باتجربه و پا به سن گذاشته به کار می‌برند. (تصویر ۱۱) روی این جلیقه‌ها با انواع پولک بویژه پول‌های فلزی، مسی و نقره‌ای تزئین می‌شود. این عمل بستگی کامل به اقتصاد و منزلت اجتماعی خانواده‌ها دارد. (مدینه، ۱۳۹۵)



تصویر ۱۱. نمونه ساده و سیاه‌رنگ از جلیتقا (آدشیرین‌پور، آرشیو شخصی، ۱۳۹۰)

- دؤشلوک^۲ / پیش‌بند، سینه‌بند

زنان شاهسون که اغلب در کارهای کشاورزی و دامداری، کمک‌کار و یار دیرین مردان و خانواده خود هستند، تن پوش مخصوصی برای این منظور دارند. این لباس در واقع، نوعی پیش‌بند یا سینه‌بند به نام دؤشلوک است که روی پیراهن زنان بسته می‌شود.

1. jilitqâ

2. doşluk

۳۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

(تصویر ۱۲) جنس این پیش‌بند از پارچه‌ای محکم چون کتان انتخاب می‌شود و در دوخت آن هیچ نوع تزئینی به کار نمی‌رود. همچنین بندهای بلندی دارد که از پشت کمر و گردن، محکم روی لباس زنان شاهسون قرار می‌گیرد تا در کارهای سخت مراقب بدن و لباس آنان باشد. استفاده از این نوع تن‌پوش که تا دهه ۷۰ رایج بوده، هم اینک در میان زنان شاهسون دشت مغان منسوخ شده است. (فرحناز، ۱۳۹۵)

نمونه‌ای از اشعار فولکلوریک بایاتی زنان شاهسون درباره دوشلوک:

qârâdâqin bâşinâ	قاراداغین باشینا
	قسم به سر قره‌داغ
qurbân ulum qâşinâ	قوربان اولوم قاشینا
	قربانم به ابروان کمندش
qirmizi doşluk olub	قیرمیزی دوشلوک اولوب
	کاش پیش‌بند سرخی می‌شدم
sârileidim doşune	ساریلئیدیم دوشونه
	می‌پیچیدم دور سینه و کمرش



تصویر ۱۲. نمونه‌ای ساده از پیش‌بند یا دوشدوک (ایمانی، گالری شخصی، ۱۳۸۵)

۴-۳. پاپوش‌ها

– دیزلیک^۱ / شلوار

زنان شاهسون به دلیل اینکه پیراهن بلند و تومان‌های گشاد متعددی روی یکدیگر می‌پوشند، نیاز به پوشیدن شلوارهای ضخیم و پشمی ندارند. دیزلیک به‌طور معمول از پارچه‌های نازک و نرم دوخته می‌شود. این شلوارها را به صورت گشاد و راحتی می‌دوزند و آماده می‌کنند و چون دوختن آنها نسبت به دیگر پوشاک زنان شاهسون راحت‌تر است اغلب از سوی خود زنان دوخته می‌شود (سیمی، ۱۳۹۵).

نمونه‌ای از بایاتی زنان شاهسون درباره دیزلیک:

âiâqindâ dâr šâlvâr	آیاغیندا دار شالوار
	شلوار تنگ در پاهایش
derdim vâr xâlvâr xâlvâr	دردیم وار خالوار خالوار
	خلوار خلوار درد دارم
gedir sen yâr yânnâ	گئدیر سن یار یانینا
	اگر می‌روی پیش یار
menim dilimje yâlvâr	منیم دیلیمجه یالوار
	از زبان من هم التماس کن

– باشماق^۲ / کفش

کفش در ادبیات شاهسون، با عناوین مختلفی چون چوست، آیاق‌قایی، باشماق، چاریق، قالوش و... کاربرد دارد. چاریق کفش اصیل و قدیمی زنان و مردان شاهسون است که جنس و رنگ و تزئین آن، مردانه یا زنانه بودنش را مشخص می‌کند. (آستاگول، ۱۳۹۵)

1. dizlik
2. bâšmâq

۳۶ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

غالب‌ترین و اصیل‌ترین جنس چاریق سنتی، از چرم شتر یا گاو تهیه می‌شود. شکل چاریق شبیه کفش‌های معمولی است با این تفاوت که زیره ندارد و رویه و زیره آن هر دو از چرم خالص است. شکل این کفش شبیه به گیوه است ولی مانند گیوه، حالت و فرم ثابتی ندارد. (تصویر ۱۳) وقتی پای شخص داخل چاریق قرار می‌گیرد، فرم ثابتی پیدا می‌کند. نوک چاریق، باریک و کمی به بالا خمیده است و روی آن با بندهایی از همان چرم و الیاف طبیعی بافته می‌شود. بند چاریق که در پاشنه آن نیز به صورت آزاد و رها به چشم می‌خورد، از الیاف طبیعی درست می‌شود و برای بستن و محکم کردن چاریق کاربرد دارد. (گل‌خارا، ۱۳۹۵)

نمونه‌ای از اشعار فولکلوریک بایاتی زنان شاهسون درباره باشماق:

bu dâqi âšmâq olmâz	بو داغی آشماق اولماز
	این کوه را نمی‌توان صعود کرد
narinji bâšmâq olmâz	نارینجی باشماق اولماز
	کفش نارنجی نمی‌توان یافت
bir jut opušden otery	بیر جوت اوپوشدن اوتری
	به خاطر یک جفت بوسه
yârlâ sâvašmâq olmâz	یارلا ساواشماق اولماز
	نمی‌توان با یار دعوا کرد



تصویر ۱۳. نمونه‌ای از چاریق ساده سنتی و دخترانه عشایر شاهسون مغان

(احمدی، آرشیو شخصی، ۱۳۹۸)

پوشاک سنتی زنان عشایر شاهسون دشت مغان ❖ ۳۷

جوراب هم در پاپوش های زنان شاهسون، جزئی از باشماق به حساب می آید و به طور معمول، از سوی خود زنان بافته می شود. جنس این جوراب ها از پشم طبیعی گوسفند و بز و گاه نیز پشم شتر است. در بافتن آنها، زنان شاهسون از نقوش و نمادهای قومی و نژادی اصیل خود بهره می برند و رنگ های طبیعت اقلیم خود را در زیباییشان نشان می دهند (زرین تاج، ۱۳۹۵). جنس و ضخامت شان نیز نسبت به اقلیم قشلاقی و ییلاقی کاملاً متفاوت است. نقوش استفاده شده در جوراب ها و پوشاک بافتنی زنان شاهسون مغان، همان نقوشی هستند که در فرش ها و نمادهای فرهنگی مختلف ترکان منطقه آذربایجان و حتی ترکان دیگر مناطق ایران و جهان دیده می شوند. (تصاویر ۱۴، ۱۵ و ۱۶)



تصاویر ۱۴، ۱۵ و ۱۶. جوراب دستباف زنان شاهسون مغان و مقایسه آن با نقوش فرش های دستباف آذربایجان (احمدی، آرشیو شخصی، ۱۳۹۸)

۵. جمع‌بندی

بخش مهمی از زندگی روزمره زنان عشایر شاهسون دشت مغان، صرف طراحی، دوخت و مراسم آیینی خاص مرتبط با پوشاک سنتی می‌شود که ارتباطی عمیق و ناگسستنی با عوامل نژادی و قومی، اقلیمی، جغرافیایی و فرهنگی مردم اردبیل دارد. تشابه اقوام ترک‌زبان آذربایجان و دیگر نقاط ایران از جمله ترکان قشقایی، خراسانی ترکمن و... و نیز اقوام ترک‌زبان کشورهای منطقه قفقاز و دیگر کشورهای ترک‌زبان در بحث پوشاک، بویژه پوشاک زنان، بسیار قوی و در بحث سرپوش‌ها، تن‌پوش‌ها و پاپوش‌ها کاملاً مشهود و آشکار است. برای نمونه در سرپوش‌ها، تشابهات عمیقی بین پوشاک زنان عشایر شاهسون دشت مغان و زنان عشایر قشقایی، ترکمن و... دیده می‌شود. رسم و آیین یاشماق بستن یکی از این عناصر مهم مشترک در میان پوشاک نان شاهسون و زنان دیگر اقوام ترک‌زبان، البته با شکل و فرم متفاوت است. استفاده از نمادهای شناخته شده بین اقوام ترک‌زبان مختلف در نقوش لباس‌ها نیز یکی دیگر از عوامل نژادی و قومی است که بر نوع پوشش روزمره زنان شاهسون مغان تأثیر دارد. طراحی و ساختار پوشاک سنتی زنان عشایر شاهسون دشت مغان و نیز جنس اولیه آن، سهولت زیست با لباس در اقلیم دشت مغان را در عین تحقق پوشش اسلامی فراهم کرده است. اقلیم دشتی و کوهستانی دامنه ساوالان^۱ سبب شده است که بیشتر زنان از پوشاک پنبه‌ای و پشمی استفاده کنند. گشادی و بلندی لباس در کنار نازکی و کلفتی پنبه‌ها و پشم‌های لباس موجب تنظیم دمای بدن در هوای معتدل و سرد کوهستانی می‌شود و کمک می‌کند که فعالیت‌های روزمره این زنان به آسانی انجام گیرد. برای مثال یاشماق که نوعی روبند در بین زنان عشایر شاهسون است پوست صورت آنان را در برابر گرمای دشت مغان و سرمای دامنه ساوالان حفظ می‌کند.

ساختار لباس‌ها و تزئینات آن اگر چه به عوامل مختلف فرهنگی بستگی دارد، اما بیش از همه خود را با اقلیم خاص دشت مغان و دامنه کوه ساوالان تطبیق داده است. رنگ‌های قرمز، زرد، بنفش و... که از رنگ‌های گرم به حساب می‌آیند، در نقوش لباس

۱. اشاره به کوه سبلان در گویش محلی.

پوشاک سنتی زنان عشایر شاهسون دشت مغان ❖ ۳۹

زنان عشایر شاهسون در زمان قشلاق خود را بیشتر نشان می‌دهند و رنگ‌های آبی، سبز و... که رنگ سرد هستند، در لباس زنان عشایر شاهسون در زمان ییلاق بیشتر نمود دارند.

تنوع فرهنگی اقوام شاهسون ساکن دشت مغان و دامنه سبلان در نوع پوشاک زنان این مناطق کاملاً مشهود است چرا که آیین و باورهای اقوام و طوایف مختلف شاهسون‌ها در این مناطق، بر پوشاک سنتی و تزئینات آنان تأثیری عمیق گذاشته است. علاوه بر این عوامل، تأثیرپذیری این مناطق از فرهنگ اقوام دیگر استان‌ها و کشورهای همجوار بسیار مهم است. از آنجا که دشت مغان مرز مشترک با کشور جمهوری آذربایجان دارد، مشترکات قومی، زبانی، فرهنگی و حتی اقلیمی با مردم این کشور بر فرم لباس‌های زنان عشایر آن تأثیرگذار بوده است.^۱

فرم و رنگ لباس زنان شاهسون و استفاده از رنگ‌های مختلف که به‌طور عمده؛ الهام گرفته از طبیعت زیبای منطقه محل سکونت آنان است، نشان‌دهنده تأثیرپذیری از دین‌های باستانی قبل از اسلام این منطقه نیز هست. برای مثال، استفاده از عناصر طبیعت مانند گل و گیاه و نقوش حیوانات اهلی و وحشی این منطقه، حکایت از باورهای شامانیسم دارد و استفاده بیشتر از رنگ سرخ، به باور آتش مقدس در بین زرتشتیان این مناطق برمی‌گردد. گذشته از شرایط اقلیمی، لباس‌های سنتی زنان شاهسون در اغلب قطعات، گشاد و بلند طراحی شده‌اند تا حافظ پوشاندگی مطلوب منطبق بر موازین اسلامی در جمع نامحرمان نیز باشند.

سه کارکرد اصلی و مهم لباس زنان عشایر شاهسون مغان در زندگی روزمره آنان، حفاظت از نور خورشید، سرمای کوهستان و بحث حجاب است. زنان شاهسون از میان اجزای بدن، چشم‌ها را بیشتر آشکار می‌کنند و حتی دهان و دماغ و پیشانی خود را می‌بندند؛ این تعبیری نشانه‌شناسانه است. به عبارت دیگر، از یک طرف، برای دیدن، روزنی به بیرون ایجاد می‌کنند و از طرف دیگر، حریم را بر نگاه بیرونی می‌بندند، امری که مهم‌ترین نشانه از تأثیر عامل فرهنگی دین و باورهای دینی بر این پوشاک سنتی است.

۱. برای مطالعه بیشتر به کتاب (Rasidbaig, 1993) مراجعه شود.

منابع

- اثنی عشری، مقصود (۱۳۸۰). شاهسون مغان، قشقای، قاراداغ. اردبیل: باغ اندیشه.
- افشار، ایرج (۱۳۸۵). فرهنگ ایران زمین. تهران: سخن.
- پیردیگارو، ژان (۱۳۷۵). بختیاری‌ها، حماسه‌ای ایللی در ایران. ترجمه منیژه قنبری عدیوی. تهران: پایلی.
- تاپر، ریچارد (۱۳۸۴). تاریخ سیاسی اجتماعی شاهسون‌های مغان. ترجمه حسن اسدی. تهران: اختران.
- دیدرو، دنی (۱۳۹۹). ژاک قضا و قدری و اربابش. ترجمه مینو مشیری. تهران: نو.
- شیرانی، زین‌العابدین (۱۳۳۹). ریاض‌السیاحه. تصحیح اصغر حامد، تهران: سعدی.
- شیل، لیدی (۱۳۶۰). خاطرات لیدی شیل. ترجمه حسین ابوترابیان. تهران: نو.
- صفری، بابا (۱۳۷۰). اردبیل در گذر تاریخ. اردبیل: دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل.
- طبیبی، حشمت‌الله (۱۳۹۵). مبانی جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ایلات و عشایر. تهران: دانشگاه تهران.
- عزیززاده. میرنبی (۱۳۸۵). تاریخ دشت مغان. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- کارث، ویت (۱۳۷۵). بختیاری در آینه تاریخ. ترجمه سهراب امیری، تهران: آزان.
- کسروی، احمد (۱۳۸۶). تاریخ هجده ساله آذربایجان. تهران: نگاه.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۹۶). نزهةالقلوب. تصحیح میرهاشم محدث. تهران: سفیر.
- منشی، اسکندر (۱۳۸۷). تاریخ عالم‌آرای عباسی. تهران: نگاه.
- موسوی حاجی، رسول (۱۳۹۳). «پوشاک محلی بلوچ‌ها و پیوستگی آن با هویت ملی». فصلنامه مطالعات ملی. شماره ۱. سال پانزدهم. ص ۲۰۰ - ۱۷۹.

پوشاک سنتی زنان عشایر شاهسون دشت مغان ❖ ۴۱

- میشل، لیدی (۱۳۶۸). **خاطرات لیدی شیل**. ترجمه حسین ابوترابیان. تهران: نو.
- مینورسکی، ولادیمیر (۱۳۷۶). **پژوهش‌هایی در تاریخ منطقه قفقاز**. ترجمه محسن خادم. تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.
- نیک‌خلق، علی‌اکبر (۱۳۹۳). **جامعه‌شناسی روستایی**. تهران: چاپخش.
- هولمز، ریچارد (۱۳۹۰). **سفرنامه ساحل خزر**. ترجمه شبنم حجتی سعیدی. رشت: فرهنگ ایلیا.
- هیلند اریکس، توماس و فین؛ سیورت نیلسون (۱۳۸۷). **تاریخ انسان‌شناسی (از آغاز تا امروز)**. ترجمه علی بلوکباشی. تهران: گل‌آذین.
- یاسینی، سیده راضیه (۱۳۹۶). «مطالعه فرهنگی و جامعه‌شناختی پوشاک سنتی زنان کناره دریای جنوب ایران (بوشهر، هرمزگان و خوزستان)». **زن در فرهنگ و هنر**. شماره ۲. سال اول. تابستان. صص ۲۰۷ - ۱۸۵.
- یونیر، ژان (۱۳۸۹). **دلاوران گمنام ایران**. ترجمه ذبیح‌الله منصوری. تهران: زرین.

راویان^۱

- آقازاده، خاتمه، طایفه تکله، ۶۰ ساله
- آقازاده، عدیله، طایفه تکله، ۶۷ ساله
- تیموری، زرین‌تاج، طایفه خلفه‌لی، ۶۵ ساله
- تیموری، گول‌آور، طایفه جیلودار، ۷۰ ساله
- تیموری، گول‌سوره، طایفه جیلودار، ۷۵ ساله
- حاجیلی، هجر، طایفه تکله، ۶۴ ساله
- خیراندیش، مدینه، طایفه تکله، ۷۷ ساله
- شیخی، ایپکناز، طایفه تکله، ۸۵ ساله
- شیخی، حامایل، طایفه تکله، ۷۲ ساله
- طاعتی، ازگول، طایفه موغانلی، ۷۳ ساله

۱. کلیه مصاحبه‌ها در سال ۱۳۹۵ انجام گرفته شده است.

❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

- طاعتی، آی تیکه، طایفه موغانلی، ۷۶ ساله
- فرزانه، بسدی قیز، طایفه موغانلی، ۹۰ ساله
- کیانی، فرحناز، طایفه موغانلی، ۶۵ ساله
- کیانی، منظر، طایفه موغانلی، ۸۰ ساله
- لطفی، گل خارا، طایفه موغانلی، ۸۰ ساله
- نظافت، آستاگول، طایفه تکلّه، ۷۳ ساله
- نظافت، سیمی، طایفه تکلّه، ۸۹ ساله
- هنرور، اصلی، طایفه موغانلی، ۸۰ ساله